

ضرورت توجه به کیفیت زندگی شهری در برنامه‌ریزی شهری و جغرافیای شهری

اصغر رحیمی

گروه مدیریت دولتی، پردیس البرز دانشگاه تهران.

چکیده

امروزه تغییر نگاه کالبدی- کارکردی در برنامه‌ریزی‌ها به ویژه برنامه‌ریزی شهری به دیدگاهی فراگیرتر و متضمن مفاهیم اجتماعی و رفاه عمومی و نیز تقویت بنیان‌های زیست محیطی و ارتقاء کیفیت زندگی، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. از این رو این پژوهش با هدف بررسی ضرورت توجه به کیفیت زندگی شهری در برنامه‌ریزی شهری و جغرافیای شهری انجام گرفت. روش تحقیق کتابخانه‌ای با استفاده از کتب و مقالات و پایان نامه و... انجام شد. در ابتدا کیفیت زندگی سپس رویکردهای اساسی به مفهوم کیفیت زندگی و ابعاد و اجزای تشکیل دهنده کیفیت زندگی و شاخص‌های کیفیت زندگی مورد بررسی قرار گرفت. و بعد از آن ضرورت توجه به کیفیت زندگی شهری در برنامه‌ریزی شهری و جغرافیای شهری تحلیل شد. و در پایان جایگاه کیفیت زندگی در دیدگاه‌های تحلیلی جغرافیای شهری بررسی شد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت، کیفیت زندگی، برنامه‌ریزی شهری، جغرافیای شهری.

مقدمه

برای نخستین بار در تاریخ زندگی بشر، بیشتر مردم جهان در مکان‌های شهری زندگی می‌کنند. افزون بر این در سده کنونی شمار ساکنان شهری و فرایند شهری شدن رو به افزایش است. بنابراین کیفیت محیط شهری به عنوان فضای زندگی مردم جهان، به عنوان موضوع بنیادی مورد توجه پژوهشگران دانشگاه، سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و شهروندان قرار گرفته است (Pacione, 2003/1 : 1).

نگاه صرفاً کالبدی - کارکردی برنامه‌ریزی‌ها به ابعاد و جنبه‌های مختلف زندگی در گذشته، سبب شد که از اواخر دهه ۱۹۶۰ تحت تاثیر نیازها و آگاهی‌های جدید، مفاهیم اجتماعی نوینی مثل رفاه اجتماعی، کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی^۱ در قلمرو برنامه‌ریزی و توسعه عمومی مطرح شود (مهدیزاده، ۱۳۸۵: ۳۰۱). به کارگیری مفهوم کیفیت زندگی شهری در عرصه برنامه‌ریزی، در واقع واکنشی است علیه توسعه یک بعدی اقتصادی در سطح ملی و توسعه صرفاً فیزیکی - کالبدی در مقیاس شهری و همچنین تلاشی است در جهت دستیابی به معیارهای جامع‌تر و چند بعدی در عرصه برنامه‌ریزی. بر این اساس منظور از کیفیت زندگی شهری در نظر گرفتن شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی در عین توجه به شاخص‌های کالبدی و کارکردی است. رشد سریع شهرها به خصوص در شهرهای بزرگ، با ویژگی‌هایی چون، تمرکز بالای جمعیت و حجم زیاد فعالیت‌های اقتصادی تأثیرات منفی بر محیط شهری خواهد داشت (Fadda and Jiron, 1999:261). از طرف دیگر، در یک دید جهانی وقوع بحرانهای زیست محیطی و تضعیف بنیان‌های محیط زیست جهانی در مطرح شدن موضوع «کیفیت محیط» به عنوان بخشی از مفهوم همه‌جانبه‌ی کیفیت زندگی بی‌تأثیر نبوده است. در چنین شرایطی و با توجه به برآوردن نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان در محیط‌های شهری، مفهوم کیفیت محیط شهری در ادبیات برنامه‌ریزی شهری جهان رواج یافت و به عنوان یکی از اهداف عالی شهرها مورد توجه قرار گرفت (Van poll, 1997: 1).

رویکرد نوین برنامه‌ریزی شهری با توجه به مفهوم کیفیت زندگی و به تبع آن در نظر گرفتن شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی در روند و فرایند برنامه‌ریزی، پس از تلاش‌های اولیه کشورهای مختلف جهان به خصوص انگلستان و ایالات متحده آمریکا، با حمایت سازمان ملل متحد به تدریج در نظام برنامه‌ریزی ملی و شهری سایر کشورهای جهان جای خود را کم و بیش باز کرده است. بر پایه این نگرش، هدف اصلی از برنامه‌ریزی و طراحی شهری دستیابی به تأمین کیفیت مسکن شهروندان، کیفیت حمل و نقل (همگانی)، کیفیت فضاهای اجتماعی، مدنی و... و در نهایت کیفیت محیط زندگی شهری است (کوکبی، ۱۳۸۴: ۵). از طرف دیگر، تحولات جدید شهرسازی جهان و بروز مسایل و مشکلات ناشی از آن، محیط‌های شهری از جمله محله‌های شهری را در معرض عوارض نامطلوب توسعه شهری قرار داده است. در دهه‌های اخیر، با تغییرات شگرف ساختار فضایی محله‌های شهری از نقش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها کاسته شده و نارسایی‌هایی چون آلودگی‌های زیست محیطی (آلودگی‌های صوتی و هوا و...)، بیکاری، فقر، حاشیه‌نشینی، بد مسکنی، آسیب‌های اجتماعی - روانی و فرهنگی، جابجایی‌های اجتماعی، افول کارکردی و فعالیتی، خروج فعالیت‌های اقتصادی، کیفیت نامطلوب کالبدی و... ظاهر شده‌اند. این مسایل و مشکلات را می‌توان ناشی از اتخاذ رویکرد سنتی (کالبدی - کارکردی) در برنامه‌ریزی شهری دانست که کاهش کیفیت محیط شهری را در مناطق شهری به خصوص محله‌های شهری موجب شده است. این پدیده تقریباً در تمام کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از جمله ایران بروز یافته است. در ایران نیز به دلیل ضعف برنامه‌ریزی، مهاجرت‌های وسیع و رشد سریع کالبدی و مهم‌تر از همه

¹. Social Welfare

². Quality of Life

³. Social Justice

اعمال سیاست‌ها و روش‌های ناکارآمد در مواجهه با محله‌های شهری و همچنین بی‌توجهی به نقش محله‌های شهری در ارتقای هویت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و... شهری، مشکلات و مسایل محله‌های شهری به صورت قابل توجه ظاهر شده است. این بی‌توجهی باعث کاهش کیفیت محیط اجتماعی، تسریع روند تخریب فیزیکی، به هم خوردن تعادل میان رفاه اجتماعی و کارایی اقتصادی (به نفع کارایی اقتصادی) و به طور کلی کاهش کیفیت زندگی شهری در محله‌های شهری شده است. با توجه به اهمیت مسئله «کیفیت»، به نظر می‌رسد چنانچه برنامه‌ها و مداخلات کالبدی در شهرها، همچون گذشته بدون توجه لازم به کیفیت محیط شهری در مراحل مختلف تصمیم‌گیری صورت پذیرد، تضمینی برای دستیابی به محیط‌های دارای کیفیت شهری مطلوب وجود نخواهد داشت. لذا در این پژوهش به ضرورت توجه به کیفیت زندگی شهری در برنامه‌ریزی شهری و جغرافیای شهری پرداخته می‌شود.

آشنایی با مفاهیم

- کیفیت

کیفیت واژه‌ای با معانی متفاوت است. در فلسفه و نظریه شناخت، منظور از کیفیت چگونگی یک چیز است. در زمینه‌های اقتصادی معادل مرغوبیت و مجموعه‌ای از ویژگی‌های یک کالا و خدمات و عرضه کننده آن که باعث فروش آن کالا و خدمات شود را می‌گویند. در زمینه‌های اجتماعی و فردی معادل با شایستگی، صلاحیت و لیاقت است. به اصطلاح کیفیت و کمیت در فارسی چند و چون نیز گفته می‌شود. در مباحث علمی و به خصوص کنترل کیفیت، یعنی شایستگی جهت استفاده به خصوص و میزانی است که یک محصول انتظارات مصرف کننده خود را برآورده می‌سازد (فتاحی، ۱۳۸۸: ۲۰).

- کیفیت زندگی

کیفیت زندگی به درجه‌ای از بالا بودن خصوصیات زندگی یا رضایت از آن اشاره دارد. وضعیت وجودی فرد، رضایت از زندگی از یک سو به وسیله واقعیت‌های بیرونی و عوامل زندگی فردی و از سوی دیگر توسط ادراک درونی و ارزیابی که شخص از واقعیت‌ها و عوامل زندگی و فردی دارد، تعیین می‌شود (Van Kamp and et al, 2003: 7).

- مفهوم محیط از دیدگاه جغرافیا

در این علم از اصطلاح محیط به دو صورت محیط طبیعی و محیط جغرافیایی اسم برده می‌شود. تا قبل از دهه ۱۹۷۰ در اغلب موارد منظور از محیط، محیط طبیعی بوده است. اما از آن پس واژه‌ای به نام محیط جغرافیایی بخشی از سطح زمین است که به وسیله رابطه انسان و محیط، از سایر بخش‌ها جدا می‌شود. به عبارت دیگر محیط طبیعی به عنوان جزیی از محیط جغرافیایی قلمداد می‌شود (مولودی، ۱۳۸۸: ۲۲).

کیفیت زندگی^۴

مفهوم کیفیت زندگی دربردارنده "استانداردهای زندگی" است و با توجه به نیازهای افراد، به ارایه‌بشخص‌هایی برای بهبود کیفیت و سطح زندگی افراد می‌پردازد (Fadda and Jiron, 1999: 262).

در چند دهه اخیر، شناخت، اندازه‌گیری و بهبود کیفیت به عنوان یکی از مهم‌ترین مسایل پیش روی جهان امروز و از مباحث اصلی در تکوین سیاستگذاری اجتماعی محسوب می‌شود که موضوعاتی چون رفاه، کیفیت زندگی سلامت محور، نیازهای اساسی، زندگی رو به رشد و رضایت‌بخش، فقر و مطرودیت اجتماعی و انسجام اجتماعی، نوع‌دوستی و از خود گذشتگی در میان جماعات را در بر می‌گیرد (امیدی، ۱۳۸۷: ۵۰).

به طور کلی می‌توان گفت مفهوم "کیفیت زندگی شهری" و یا "کیفیت محیط زندگی" با هدف اصلاح و تکامل مفهوم توسعه، از توسعه صرفا کمی و اقتصادی به توسعه پایدار شهری مطرح و مورد توجه قرار گرفت (کوکبی، ۱۳۸۴: ۲۰). امروزه ثابت شده است که محیط کالبدی در رفتار انسانی تاثیر قاطع دارد و در مقابل آن، این بحث نیز همواره جریان داشته که این تنها محیط کالبدی نیست که بر مردم تاثیر می‌نهد بلکه شرایط اجتماعی - اقتصادی است که از اهمیت بیشتری برخوردار است. پیداست که جدا کردن شرایط اجتماعی - اقتصادی از محیط کالبدی معقول به نظر نمی‌رسد و در واقع این عوامل در پیوند با هم تاثیر می‌گذارند (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۲: ۱۵). رواج و کاربرد کیفیت زندگی در واقع واکنشی است علیه توسعه یک بعدی اقتصادی در سطح ملی و توسعه صرفا کالبدی در مقیاس شهری و به نوعی موید توجه به شاخص‌ها و معیارهای اجتماعی، کیفی و اقتصادی پایدار در عرصه برنامه‌ریزی شهری و در تعامل با شاخص‌های کالبدی - کارکردی است. (مه‌دیزاده، ۱۳۸۵: ۳۰۴).

اصطلاح کیفیت زندگی دارای معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف است. برخی آن را به عنوان قابلیت زیست پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و... تفسیر می‌کنند. با وجود این، هنوز هم یک تعریف قابل قبول جهانی برای این مفهوم ارایه نشده است، زیرا بسیاری از محققان بر این باورند که کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان، مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی است. کیفیت زندگی به وسیله نیروهای بیرونی مرتبط با افراد یا گروه‌های اجتماعی مثل تکنولوژی تولید، زیرساخت‌ها، روابط با سایر گروه‌ها، نهادهای جامعه، محیط طبیعی و همچنین به وسیله نیروهای درونی مثل تعاملات درون جامعه و ارزش‌های شخص یا جامعه تعیین می‌شود. از این رو می‌توان به طور کلی کیفیت زندگی را واقعیتی چند بعدی، متشکل از شرایط عینی زندگی و بهزیستی ذهنی تعریف کرد. بعد عینی، وضعیت ظاهری و ملموس زندگی را نمایش می‌دهد، اما بعد ذهنی شامل ادراکات و ارزشیابی افراد از وضعیت زندگی‌شان می‌باشد. بنابراین از مطالب عنوان شده می‌توان نتیجه گرفت که از طریق یکپارچه کردن ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی، امکان به دست آوردن تصویر کامل‌تر و مفیدتری از کیفیت زندگی در مقیاس‌های گوناگون مکانی و زمانی وجود دارد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۷).

تعاریف متعددی از کیفیت زندگی ارایه شده است که در زیر به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

از دیدگاه اسمیت «مفهوم کیفیت زندگی یک انتزاع فکری است که تمهید شده است تا در نظر گرفتن چگونگی زندگی مردم را در چارچوب‌هایی تسهیل کند که در آن‌ها داوری درباره اینکه چه چیز می‌تواند بهتر یا بدتر باشد مطرح می‌شود. بنابراین مشابه با مفاهیمی چون توسعه، رفاه و بهزیستی است» (اسمیت، ۱۳۸۱: ۱۶۰).

4. Quality of Life

براون، یک چارچوب مفهومی برای کیفیت زندگی شهری طرح کرده است. وی معتقد است که دو سطح کیفیت زندگی وجود دارد: در سطح خرد که به رفاه زندگی شخصی همچون بهداشت و سلامتی، سطح درآمد، روابط شخصی و رضایتمندی و در سطح کلان که به کیفیت زیست محیطی زندگی همچون شرایط محیط زیست، اقتصادی و اجتماعی و... زندگی پرداخته می‌شود (کشاورز، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

مفهوم کیفیت زندگی یک متغیر مرکب است که از متغیرهای تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن‌ها تاثیر می‌پذیرد (Tauhidur and et al, 2003:1).

کیفیت زندگی شهری در برگیرنده ابعاد روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می‌گیرد. در برخی موارد، رضایت اجتماعی نیز نامیده می‌شود. همچنین ابعاد محیطی که در برگیرنده سنجه‌هایی همچون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی است. جنبه‌های دیگر در برگیرنده توجه به فرصت‌های اجتماعی، امیدهای اشتغال ثروت و اوقات فراغت است (سیف‌الدینی، ۱۳۸۸: ۳۰۱).

کیفیت زندگی را می‌توان این گونه تعریف کرد: کیفیت زندگی هم جنبه‌های کمی و کیفی مانند چگونگی توزیع کالا و خدمات و نیازهای مادی انسان و جنبه‌های ذهنی و کیفی مانند روابط اجتماعی، رضایت از زندگی، مشارکت و احساس همبستگی اجتماعی و کلیه نیازهای معنوی انسان را در برمی‌گیرد (پوراحمد و شمعی، ۱۳۸۴: ۲۷۴).

سازمان بهداشت جهانی (WHO) کیفیت زندگی را یک ادراک شخصی از وضعیت زندگی شخص می‌داند که در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها و نگرانی‌ها (دلبستگی‌های) زندگی‌شان است. این سازمان یک مفهوم بین‌المللی را که شامل بیست و پنج بند است معرفی می‌کند که در شش دسته خلاصه می‌شوند:

۱- عوامل فیزیکی. ۲- فیزیولوژیکی. ۳- استقلال. ۴- روابط اجتماعی. ۵- محیط. ۶- معنویت (شامل اعتقادات مذهبی و

شخصی) (Jirojankul and et al, 2003:1278).

کیفیت زندگی به درجه‌ای از بالا بودن خصوصیات زندگی یا رضایت از آن اشاره دارد. وضعیت وجودی فرد، رضایت از زندگی از یک سو به وسیله واقعیت‌های بیرونی و عوامل زندگی فردی و از سوی دیگر توسط ادراک درونی و ارزیابی که شخص از واقعیت‌ها و عوامل زندگی و فردی دارد، تعیین می‌شود (Van Kamp and et al, 2003:7).

رویکردهای اساسی به مفهوم کیفیت زندگی

دو دیدگاه در مورد کیفیت زندگی مطرح است: دیدگاه عینی و دیدگاه ذهنی^۶. در مکتب اول، کیفیت زندگی به عنوان بخش عینی زندگی که شامل غذا، سرپناه، شرایط محیطی و نظایر آن است شناخته می‌شود. در مکتب دوم، کیفیت زندگی به عنوان بخش ذهنی زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد که توسط نگرش‌ها و احساسات انسان معین می‌شود. اگرچه هر دو مکتب به وضوح در تحقیقات مورد توجه قرار گرفته است، اما مکتب ذهنی به وضوح بحث مسلط در این زمینه است (Ling, 1989:4).

غیاثوند در مقاله خود تحت عنوان "تاثیر سرمایه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محله‌های شهری" از این دو مکتب به عنوان رویکرد "اسکاندیناویایی کیفیت زندگی" و رویکرد آمریکایی، نام برده است.

^۵.Objective Perspective

^۶.SubjectivePerspective

رویکرد اسکاندیناویایی: این رویکرد در اکثر کشورهای اروپایی به ویژه کشورهای اسکاندیناوی طرفدار دارد و جان درینوسکی و ریچارد تیتاموس آن را ابداع کرده‌اند. در این رویکرد بر شرایط عینی زندگی و معرف‌های مرتبط به آن تأکید شده است و کیفیت زندگی افراد در گرو ارضای نیازهای اولیه زندگی است.

رویکرد آمریکایی: در بیشتر تحقیقاتی که در کشور آمریکا روی کیفیت زندگی انجام شده است، محققان بیشتر به تجارب و جنبه‌های ذهنی افراد از زندگی‌شان توجه کرده و بر معرف‌های ذهنی تأکید کرده‌اند. از اثرگذاران بر این رویکرد می‌توان به روانشناس اجتماعی دلبیو. آی. توماس اشاره کرد. در این رویکرد از رضایتمندی و خوشبختی به عنوان معرف‌های اصلی سنجش کیفیت محیط شهری یاد می‌شود (غیاثوند، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۴).

با توجه به بررسی‌های فاهیه (۲۰۰۴) امروزه می‌توان سه رویکرد عمده به کیفیت زندگی را شناسایی کرد:

رویکرد اول، معتقد است که کیفیت زندگی به شرایط افراد مربوط است (نگرش خرد نگر به کیفیت زندگی).

رویکرد دوم، کیفیت زندگی را یک مفهوم چند بعدی می‌داند. این نگرش به توصیف حوزه‌های چندگانه کیفیت زندگی و همچنین تاثیر متقابل این حوزه‌ها بر یکدیگر می‌پردازد.

سومین رویکرد، نیز معتقد است که کیفیت زندگی به دو شاخص عینی و ذهنی اندازه‌گیری می‌شود (بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۹). جنبه عینی زندگی به نوبه خود به دو امر دلالت دارد: اول، اوضاع و احوال محیط زیست آدمی همچون آلودگی محیط، مسکن، منابع مالی، تفریحات و مانند آن. دوم، برخی از مشخصات افراد جامعه همچون تندرستی، دستاوردهای آموزشی، انسجام خانوادگی، سلامت روانی و مانند آن. جنبه‌های ذهنی بر تجارب خوشایند و بدآیند زندگی فردی و حتی جمعی مانند سرخوردگی، احساس بیگانگی از جامعه و از خویشتن خویش، احساس رضایت از زندگی، اشتیاق‌های آدمی و ادراکات انسانی دلالت دارد (اشرف، ۱۳۸۰: ۵۷).

بدین ترتیب می‌توان گفت کیفیت زندگی هم جنبه‌های عینی - کمی مانند دسترسی به امکانات و فرصت‌ها و هم جنبه ذهنی - کیفی مانند روابط اجتماعی، رضایت از زندگی، مشارکت و احساس همبستگی اجتماعی را در بر می‌گیرد (حسن زاده، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۰).

ابعاد و اجزای تشکیل دهنده کیفیت زندگی

تعداد زیادی از محققان از جمله: مک کال (۱۹۷۵)، مایزر (۱۹۸۷)، دیوید سن و کارتر (۱۹۹۱)، اوبرین و ایدی (۱۹۹۱)، توافق دارند که مفهوم کیفیت زندگی همواره پنج بعد زیر را در بر می‌گیرد:

۱- بعد فیزیکی (Physical): مفاهیمی مانند قدرت، انرژی، توانایی انجام فعالیت‌های روزمره و مراقبت از خود از این دسته هستند.

۲- بعد روانی (Psychological): اضطراب، افسردگی و ترس از این زمره‌اند.

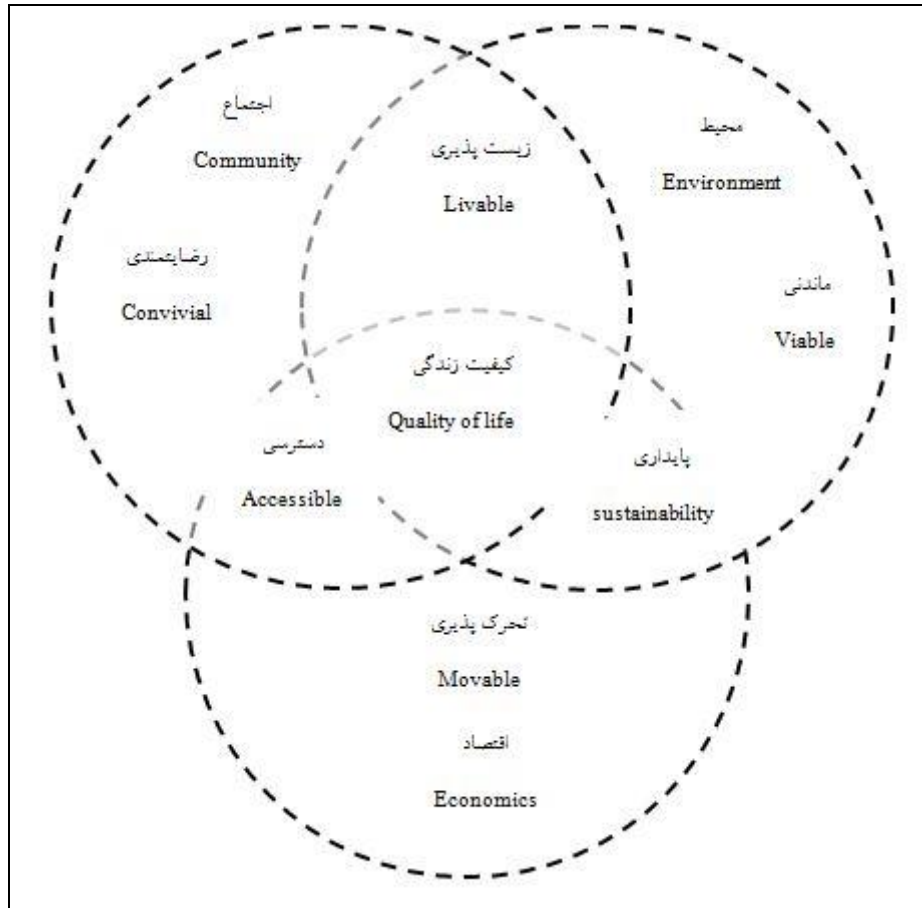
۳- بعد اجتماعی (Social): این بعد در مورد رابطه فرد با خانواده، دوستان و همکاران و در نهایت جامعه است.

۴- بعد روحی (Spiritual): درک فرد از زندگی و هدف و معنای زندگی را در بر می‌گیرد. ثابت شده است که بعد روحی، زیر مجموعه بعد روانی نبوده و یک دامنه مهم و مستقل محسوب می‌شود.

۵- علایم مربوط به بیماری یا تغییرات مربوط به درمان: در این راستا مواردی مانند درد، تهوع و استفراغ را می‌توان نام برد. این بعد بیشتر در ابزارهای اختصاصی مورد توجه واقع می‌شود (نجات، ۱۳۸۷: ۵۸).

برای تبیین مفهوم کیفیت زندگی مدلی توسط شفر و همکارانش در سال ۲۰۰۰ ارائه گردید. در این مدل بر سه قلمرو "اجتماع"، "محیط" و "اقتصاد" تاکید شده است. مزیت مدل مذکور این است که تقابل میان قلمروها صریحا معین شده و تصویری از مفاهیم "زیست پذیری"، "کیفیت زندگی" و "پایداری" در ارتباط متقابل با همدیگر بیان گردیده است.

نمودار(۱): مدل مفهومی عوامل سهیم در کیفیت زندگی از دیدگاه اکولوژی انسانی



ماخذ: Van Kamp and et al, 2003: 11

همانطور که اشاره شد در نمودار فوق سه قلمرو اجتماع، محیط و اقتصاد به عنوان عناصر اصلی مفهوم کیفیت زندگی مطرح شده‌اند. هر کدام از این قلمروها دارای فاکتورها و متغیرهای مربوط به خود هستند. نمودار فوق رابطه متقابل سه قلمرو اشاره شده را با یکدیگر نشان می‌دهد که در نهایت ترکیب این سه عنصر در قالب سه فاکتور پایداری (اقتصاد)، دسترسی (اجتماع) و زیست پذیری (محیط) مفهوم کیفیت زندگی را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر کیفیت زندگی مناسب در نمودار فوق در این سه فاکتور خلاصه شده است.

جدول (۱) جنبه‌هایی را که در پژوهش‌های مختلف در زمینه کیفیت زندگی شهری، به عنوان جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی شهری توسط پژوهشگران مختلف انجام شده است، نشان می‌دهد:

جدول (۱): جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی

ردیف	منبع	جنبه‌های کیفیت زندگی بکار رفته در پژوهش
۱	Liu (1976)	۱- اقتصاد. ۲- سیاست. ۳- محیط زیست. ۴- اجتماع. ۵- آموزش
۲	Boyer and S savageau (1981)	۱- آب و هوا. ۲- مسکن. ۳- محیط زیست و بهداشت. ۴- جرم. ۵- حمل و نقل. ۶- آموزش. ۷- هنر. ۸- تفریح. ۹- اقتصاد
۳	Blomquist and et al (1988) Stover and Leven (1992)	۱- نزولات جوی. ۲- تعداد روزهای گرم. ۳- تعداد روزهای سرد. ۴- رطوبت. ۵- سرعت باد. ۶- تابش آفتاب. ۷- ساحل. ۸- جرم. ۹- نسبت معلم به دانش آموز. ۱۰- تخلیه فاضلاب. ۱۱- مواد زائد. ۱۲- دامنه دید.
۴	Sufian (1993)	۱- امنیت عمومی. ۲- هزینه خوراک. ۳- فضای زندگی. ۴- استاندارد مسکن. ۵- ارتباطات. ۶- آموزش. ۷- بهداشت عمومی. ۸- آرامش. ۹- جریان ترافیک. ۱۰- هوای پاک.
۵	Human Dev. Index (UNDP. 1994)	۱- امید به زندگی. ۲- نرخ بی‌سوادی بزرگسالان. ۳- متوسط قدرت خرید.
۶	Protassenko (1997)	۱- درآمد ماهانه هر شخص. ۲- توزیع درآمد. ۳- مخارج خوراک ماهانه
۷	Physical QOL Index (ICQO 1996)	۱- مرگ و میر کودکان. ۲- امید به زندگی. ۳- نرخ بی‌سوادی در بزرگسالان.
۸	استانبول	۱- محیط فیزیکی (چیدمان ساختمان‌ها، نوع مسکن، فضاهای سبز، تفریحی و...). ۲- محیط اجتماعی (گستره خدمات آموزشی، قیمت خدمات آموزشی، گستره و قیمت خدمات بهداشتی و...). ۳- محیط اقتصادی (هزینه زندگی، فرصت پیدا کردن شغل رضایت بخش، هزینه تطبیق و...). ۴- ارتباطات حمل و نقل (وسایل ارتباطات، وسایل حمل و نقل عمومی، جریان ترافیک و...). ۵- شاخص شرایط زندگی در ۸ عرصه اصلی: ۱- مسکن. ۲- سلامتی. ۳- قدرت خرید. ۴- فعالیت‌های فراغتی. ۵- تحرک. ۶- مشارکت اجتماعی. ۷- فعالیت‌های ورزشی. ۸- فعالیت‌های تعطیلی.
۹	آمستردام	۱- امنیت عمومی. ۲- محیط زیست طبیعی. ۳- حمل و نقل و زیر ساخت. ۴- بهداشت. ۵- دولت و نظام سیاسی. ۶- هنجارهای اخلاقی و مدنی. ۷- آموزش و پرورش. ۸- اقتصاد. ۹- فرهنگ. ۱۰- تفریحات. ۱۱- محیط اجتماعی.
۱۰	کمیته بحران جمعیت	۱- امنیت عمومی. ۲- هزینه خوراک. ۳- فضای مسکونی. ۴- ارتباطات. ۵- آموزش عمومی. ۶- بهداشت همگانی. ۷- آرامش عمومی. ۸- حمل و نقل شهری. ۹- هوای سالم.
۱۱	گراندرآورس آمریکا	۱- امنیت عمومی. ۲- محیط زیست طبیعی. ۳- حمل و نقل و زیر ساخت. ۴- بهداشت. ۵- دولت و نظام سیاسی. ۶- هنجارهای اخلاقی و مدنی. ۷- آموزش و پرورش. ۸- اقتصاد. ۹- فرهنگ. ۱۰- تفریحات. ۱۱- محیط اجتماعی.
۱۲	انتاریوی کانادا	۱- اجتماعی (کودکان تحت پوشش انجمن حمایت از کودکان و...). ۲- بهداشتی. ۳- اقتصادی. ۴- زیست محیطی.
۱۳	سنگاپور	توجه همزمان به ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی شهری

ماخذ: ülengin,2001:362 و کوبکی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۰

شاخص‌های کیفیت زندگی

اولین گام در راستای کیفیت زندگی شهری تعریف ابعاد آن و سپس انتخاب شاخص‌هایی است که با استفاده از آن، ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری مورد سنجش قرار بگیرد. شاخص‌ها به منظور ارزیابیتغییرات فرایندها و پدیده‌هایی در طول زمان به کار می‌رود که سنجیدن مستقیم آن‌ها مشکل است (لطفی، ۱۳۸۸: ۷۱).

شاخص‌های کیفیت زندگی برای سنجش وضعیت زندگی مردم برای نخستین بار در پروژه جکسون ویل^۷ در ایالت فلوریدا در سال ۱۹۸۵ مورد استفاده قرار گرفتند (Fahy and Cinneide, 2008: 371).

الزامات پایه در تعریف و تدوین معیارها و شاخص‌های کیفیت زندگی شهری به شرح زیر است:

الف - در تعریف و تدوین معیارهای کیفیت زندگی شهری، توجه به وضعیت و شرایط اجتماعی، فرهنگی و ارزشی ساکنان هر مقیاس مطالعه (کشور، استان، شهری و...) مهم و ضروری است.

ب - کیفیت زندگی شهری بیش از هر چیز باید بر شاخص‌های اجتماعی و کیفی توسعه شهری متکی باشد.

ج - در تعریف معیارهای کیفیت زندگی شهری باید بعد ذهنی و عینی آن را به صورت توأمان در نظر گرفت (کوکبی، ۱۳۸۴: ۹).

بسیاری از محققان بر این اعتقادند که کیفیت زندگی تا حد زیادی با جنبه‌هایی از زندگی شخصی مانند آرزوها، انتظارات، شادکامی، رضایت و... تعیین می‌شود. افزون بر این، تحقیقات بی‌شماری بر مقوله رضایت به عنوان مفیدترین شاخص سنجش کیفیت زندگی ذهنی تأکید می‌کنند. سطح رضایت از زندگی خانوادگی، شغل و درآمد در کنار احساس کارآمدی شخصی، رضایت از عملکرد دولت در کل و رضایت از خدمات موجود را از جمله عوامل موثر بر رضایت از زندگی در کل و در نتیجه کیفیت زندگی قلمداد کردند. در مقابل شاخص‌های ذهنی، عده‌ای از صاحب نظران، شاخص عینی را برای سنجش کیفیت زندگی مورد توجه قرار می‌دهند. برای مثال، اشنایدر در مطالعه خود حدود شش دسته متغیرهای مختلف در این زمینه را نام برده و معتقد است این متغیرها برای سنجش کیفیت زندگی عینی مورد توافق اکثر صاحب نظران هستند. متغیرهای مورد نظر وی عبارتند از:

۱- درآمد، ثروت و شغل

۲- محیط زیست

۳- سلامتی (روحی و جسمی)

۴- آموزش

۵- بی سازمانی اجتماعی (جنایت، الکلیسم، اعتیاد و...)

۶- از خود بیگانگی و مشارکت سیاسی (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶: ۷۳).

در واقع شاخص‌های عینی سنجش کیفیت زندگی، شرایط مشاهده پذیر محیط زیستی را مدنظر قرار می‌دهند، مانند وضع مسکن، تغذیه، محیط زیست و... و شاخص‌های ذهنی، با توجه بهسوالاتی که محققان از طریق پرسشنامه از مردم درباره احساس رضایت، شادکامی یا مشابه آن می‌پرسند به دست می‌آیند (همان: ۷۵).

7. Jacksonville

8. Social Disorganization

اکنونیست عوامل موثر بر کیفیت زندگی را این‌گونه معرفی کرده است: ۱. سلامت ۲. بهداشت ۳. ثبات سیاسی و امنیتی ۴. زندگی خانوادگی ۵. زندگی اجتماعی ۶. آب و هوا و موقعیت جغرافیایی ۷. امنیت شغلی ۸. آزادی سیاسی (The Economist Intelligence Units : 2005).

بررسی دیگری توسط کمیته بحران جمعیت، موسسه پژوهشی غیرانتفاعی و مستقلی که محل استقرار آن در واشنگتن است، در تحقیق مفصلی در مورد سنجش کیفیت زندگی در یکصد شهر بزرگ جهان، ۱۳ شاخص را به عنوان عوامل موثر در چگونگی کیفیت زندگی معرفی نموده است. این شاخص‌ها شامل آموزش، بهداشت عمومی، آرامش عمومی، حمل و نقل، هوای سالم، امنیت عمومی، هزینه خوراک، فضای سکونت، تسهیلات عمده مسکن و ارتباطات می‌شود.

در یک جمع‌بندی کلی شاخص‌های کیفیت زندگی را می‌توان در هفت گروه دسته‌بندی کرد که عبارتند از: ۱- شاخص‌های اقتصادی. ۲- شاخص‌های اجتماعی. ۳- شاخص‌های تفریح و سلامت. ۴- شاخص‌های زیبایی شناختی (ادراکی و روانی). ۵- شاخص‌های مسکن و سرپناه. ۶- شاخص‌های ارتباطی و حمل و نقل. ۷- شاخص‌های زیست محیطی.

ضرورت توجه به کیفیت زندگی شهری در برنامه‌ریزی شهری

شهرها مراکز مهمی برای رشد و توسعه اقتصادی هستند. فقدان و یا ضعف مدیریتی قوی در جهت اداره رشد سریع شهرها، تاثیرات منفی بر محیط شهری، سلامت شهروندان و در نهایت کیفیت زندگی شهروندان خواهد داشت (Fadda and Jiron, 1999: 261).

جامعه بشری پس از تجارب خود از رویکرد برنامه‌ریزی عقلانی به نوعی بازنگری و بازاندیشی در اقدامات خود روی آورده که موجبات تجدید نظر در باورها و شیوه‌های پیشین شده و پدید آمدن گرایش‌های تازه‌ای در عرصه برنامه‌ریزی شهری فراهم آورده است. یکی از گرایش‌های نو که تاثیر شگرفی در فرایند تحول دیدگاهها و روشهای برنامه‌ریزی شهری در نیمه دوم قرن بیستم داشته است، "نظریه‌های اجتماعی و کیفی توسعه" است که در قالب مفاهیمی همچون کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی و... نمود یافته است (کوکبی و دیگران، ۱۳۸۴: ۸).

در سال‌های اخیر این مفاهیم مورد توجه مجامع علمی و تحقیقاتی جهان قرار گرفته به گونه‌ای که کنگره‌ها و همایش‌های بین‌المللی مختلفی با عنوان "توسعه پایدار شهری در قالب کنفرانس ریو" و... برگزار شده است و مقبولیت جهانی یافته است. نتیجه و حاصل برگزاری چنین همایش‌هایی در سطح جهانی، رواج مفاهیم و کاربرد شاخص‌های اجتماعی و کیفی در فرآیند برنامه‌ریزی بوده است و به طوری که برنامه‌ریزی شهری را به جستجوی شاخص‌ها و معیارهای جدید برای ارتقای کیفیت زندگی شهری سوق داده است (همان: ۹).

هدف از مطرح کردن مفهوم کیفیت زندگی شهری، اصلاح و تکامل مفهوم توسعه از توسعه کمی به توسعه پایدار شهری بوده است. سیاست‌ها و راهبردهای توسعه پایدار در سطح محلی عموماً به وسیله عوامل (ملاحظات) کیفیت زندگی تحت تاثیر قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر امروزه کیفیت زندگی به عنوان یکی از عناصر اصلی توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته است (Fahy, 2008: 366).

به طور کلی می‌توان گفت که با توجه به تحولات و دگرگونی‌های فوق نظریه‌های اجتماعی و کیفی (مثل کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی و...) در دو دهه اخیر اهمیت بیشتری در برنامه‌ریزی شهری پیدا کرده‌اند که بیشتر به اهداف نهایی برنامه‌ریزی و نقش مردم مربوط می‌شود (کوکبی و دیگران، ۱۳۸۴: ۸).

ضرورت توجه به کیفیت زندگی در جغرافیای شهری

شهر و پدیده‌های شهری موضوع مطالعه جغرافیای شهری است. شهرنشینی بی شک مهم‌ترین عامل تاثیرگذار در آرایش جغرافیایی است. شهرنشینی و الگوی توزیع فضایی شهرها پیوسته نظام سکونتگاهی جوامع انسانی را تغییر می‌دهد و بر نظم فضایی آن تاثیرات جدی بر جای می‌گذارد. چنین نقش تعیین کننده‌ای که شهر در سازماندهی فضا ایفا می‌کند، با جنبه‌ها و مفاهیم مختلف متصور از زندگی شهری در ارتباط است (شکویی و موسی کاظمی، ۱۳۸۷: ۴-۵).

در میان رشته‌های مرتبط با پدیده‌ها و مسایل شهری بدون شک هیچ شاخه علمی، همچون جغرافیا، این چنین گسترده با شهر و زندگی شهری برخورد نمی‌کند. به تعبیر گوتمن؛ جغرافی دان معروف انگلیسی؛ جغرافیای شهری از موقع طبیعی، مشخصات جمعیتی و فعالیت‌های اقتصادی شهر، سازمان‌های اجتماعی و سیاسی در آن و سرانجام از محیط ساخته شده که محصول فیزیکی تمدن انسان است، بحث و گفتگو می‌کند (شکویی، ۱۳۸۵: ۸).

در دوره‌های گذشته به طور سنتی، جغرافیای شهری از موقع، موضع، وسعت، شکل، کارکرد، مورفولوژی و سازمان‌های داخلی شهرها سخن به میان می‌آورد. اما به موازات توسعه شهرها و افزایش جمعیت شهرهای بزرگ، ظهور مسایل گوناگون و پیچیده اجتماعی - اقتصادی در داخل شهرها، ابعاد تازه‌ای در جغرافیای شهری به وجود آمد (شکویی و موسی کاظمی، ۱۳۸۷: ۶). در زمان ما جغرافیای شهری، ابعاد اقتصادی - سیاسی و اجتماعی عمیقی به خود گرفته است. حتی برخی از جغرافیدانان به ابعاد فضایی شهر اهمیت کم‌تری می‌دهند. بدین سان که جغرافیدانان شهری به تحلیل رویدادهای شهری و کیفیت زندگی مردم بیش از ماهیت فضایی شهر اهمیت می‌دهند (شکویی، ۱۳۸۵: ۱۷).

امروزه، افزایش شدید جمعیت شهرها توأم با مسایل اجتماعی - اقتصادی در آن‌ها، شکل کاملاً تازه‌ای از شهر، شهرنشینی و شهرگرایی را به وجود آورده است که با آنچه در نیمه اول قرن بیستم در شهرها دیده می‌شد تفاوت‌های زیادی دارد. روشن است که جغرافیای شهری نیز باید ابعاد قلمروهای تازه‌ای بجوید تا محیط زیست شهری شایسته‌ای برای ساکنان شهرها، فراهم آورد (شکویی و موسی کاظمی، ۱۳۸۷: ۶). امروزه با ظهور مسایل پیچیده شهری، شناخت، ارزیابی و مطلوبیت بخشیدن به کیفیت زندگی شهری و رای یک شاخه خاص علمی قرار می‌گیرد. با وجود این، شاید جغرافیا بیش از دیگر رشته‌های علمی بتواند با بکارگیری مفاهیم برنامه‌ریزی فضایی - رفتاری سهم بیشتری در ارزیابی کیفیت زندگی شهری و بهبود بخشی این شرایط به عهده بگیرد. زیرا این تنها جغرافیای شهری است که محیط رفتاری را با همه ابعادش تحلیل می‌کند (شکویی، ۱۳۸۵: ۱۶).

جایگاه کیفیت زندگی در دیدگاه‌های تحلیلی جغرافیای شهری

جغرافیدانان همواره هدف غایی از مطالعات جغرافیایی را ارتقاء کیفیت زندگی انسان عنوان کرده‌اند. در تعاریف متعدد که از علم جغرافیا از زمان‌های بسیار دور (از زمان اراتوستن) تا کنون ارایه شده است بر رابطه متقابل انسان و محیط تاکید شده است. جغرافیدانان همواره در پی بهینه کردن این رابطه در جهت مطلوبیت بخشی به زندگی انسان بوده‌اند (حاجی نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۵).

متناسب با سطوح مطالعاتی در جغرافیای شهری (ماکرو، میکرو) و محتوای موضوعی هر یک از مطالعات کلان و خرد، انواع دیدگاه‌های تحلیلی هر جغرافیای شهری ارایه شده است. داوید هربرت و داوید اسمیت؛ جغرافیدانان معروف انگلیسی؛ دیدگاه‌های موجود در تحلیل مسایل جغرافیای شهری را به شرح زیر تعریف می‌کنند:

۱- اقتصاد سیاسی و جغرافیای شهری. ۲- تحلیل تخصیص منابع و جغرافیای شهری. ۳- مدیران شهری و جغرافیای شهری. ۴- محیط محلی و جغرافیای شهری.

در چهارمین نگرش تحلیلی مسایل شهری که بیش‌ترین بخش تحقیقات جغرافیای شهری در آن صورت می‌گیرد، نتایج اجتماعی و فضایی حاصل از عوامل تاثیرگذار، به روشنی تبیین می‌شود. تبیین این نتایج، تحلیل شاخص‌های اجتماعی، رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی مردم شهر را امکان پذیر می‌سازد. جغرافیای شهری در این سطح از تحلیل به تحقیقات میان رشته‌ای نزدیک می‌شود.

تحلیل رفتارگرایی از بخش‌های مهم این سطح از تحلیل می‌باشد و در سال‌های اخیر در جغرافیای شهری مطالعات ارزشمندی درباره آن صورت گرفته است. در تحلیل رفتارگرایی در جغرافیای شهری، تاثیر محیط شهری در رفتار و فعالیت گروه‌های مختلف شهری بررسی می‌شود (شکویی و موسی کاظمی، ۱۳۸۷: ۲۴-۲۲).

منابع و مأخذ:

- ۱) اسمیت، دیوید. ام (۱۳۸۱)، "کیفیت زندگی: رفاه انسانی و عدالت اجتماعی"، ترجمه: حسین حاتمی‌نژاد و حکمت شاه اردبیلی، مجله اطلاعات سیاسی واقتصادی، شماره ۱۸۵ و ۱۸۶.
- ۲) اشرف، احمد (۱۳۸۰)، "نگرشی در مفهوم کیفیت زندگی و اجزای آن"، فصلنامه مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، شماره ۵، تهران.
- ۳) امید، رضا (۱۳۸۷)، "معرفی و نقد کتاب لاتین کیفیت زندگی"، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱.
- ۴) بمانیان، محمدرضا و محمودی‌نژاد، هادی (۱۳۸۷)، "شهرسازی رفاه‌گرا به جانب ارتقای کیفیت زندگی"، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
- ۵) توسلی، محمود و بنیادی، ناصر (۱۳۷۲)، "طراحی فضای شهری: فضاهای شهری و جایگاه آن‌ها در زندگی و سیمای شهری"، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، تهران.
- ۶) حاجی‌نژاد، علی و رفیعیان، مجتبی و زمانی، حسین، (۱۳۸۹)، "بررسی متغیرهای فردی موثر بر رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی (مطالعه موردی: مقایسه بافت قدیم و جدید شیراز)"، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۷.

- ۷) حسن‌زاده، داوود، (۱۳۷۸)، "رویکرد اجتماع محور به کیفیت زندگی اجتماعات محلی"، فصلنامه مدیریت شهری، سال ششم، شماره ۲۰.
- ۸) رضوانی، محمدرضا و شکیبا، علیرضا و منصوریان، حسین (۱۳۸۷)، "ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱.
- ۹) سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۸۸)، "فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای"، انتشارات آبیژ، چاپ دوم، تهران.
- ۱۰) شکویی، حسین، (۱۳۸۵)، "دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری"، انتشارات سمت، جلد اول، چاپ نهم، تهران.
- ۱۱) شکویی، حسین و موسی‌کاظمی، سیدمهدی (۱۳۸۷)، "مبانی جغرافیای شهری"، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۱۲) غیاثوند، الهام (۱۳۸۸)، "تاثیر سرمایه‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محله‌های شهری"، فصلنامه مهندس مشاور، شماره ۴۵.
- ۱۳) فتاحی، احدالله (۱۳۸۸)، "سنجش کیفیت زندگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان)"، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، مهدی پورطاهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۱۴) کشاورز، مهناز (۱۳۸۹)، "سنجش و ارزیابی رویکرد توسعه پایدار و امکان کاربری آن در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: شهر خرم‌آباد)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ۱۵) کوبی، افشین و پورجعفر، محمدرضا و تقوایی علی‌اکبر، (۱۳۸۴)، "برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها"، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲.
- ۱۶) لطفی، صدیقه، (۱۳۸۸)، "مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری"، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره ۴.
- ۱۷) مولودی، جمشید (۱۳۸۸)، "سنجش کیفیت محیط شهری در شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- ۱۸) مهدیزاده، جواد، (۱۳۸۵)، "برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)"، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت معماری و شهرسازی، انتشارات شرکت طرح و نشر پیام سیما، چاپ دوم، تهران.
- ۱۹) نجات، سحرناز، (۱۳۸۷)، "کیفیت زندگی و اندازه‌گیری آن"، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، دوره چهارم، شماره ۲.

- 20) Fadda, G., and Jiron, P. (1999). "Quality of life and gender: a methodology for urban research", *Environment and Urbanization*, Vol 11, No 2.
- 21) Fahy, F., and Ó Cinnéide, M. (2008). "Developing and testing an operational framework for assessing quality of life", *Environmental Impact Assessment Review*.
- 22) Jirojankul, P., Skevington, S.M., and Hudson, J. (2003). "Predicting young children's quality of life", *Social science & Medicine*, Vol. 57.
- 23) Ling, W. (1989). "Quality of life in urban china: A data-based study in the city of liangjin", PhD Thesis, The State University of New York at Albany.

- 24) Pacione, M. (2003). "Urban environmental quality and human wellbeing – a social geographical perspective", *Landscape and Urban Planning* 65, pp, 19-30.
- 25) Tauhidur, R., Ronc C, M., and Philip, W. (2003). " Measuring the quality of life across countries: A sensitivity analysis of well-being indices", *Wider International Conference on Inequality, Poverty and Human Well-being*, Helsinki, Finland.
- 26) The Economist Intelligence Units. (2005)."Quality of life index available", at [http://www. Economist.com/media/quality of life](http://www.Economist.com/media/quality%20of%20life)
- 27) Van kamp, I.,Leidelmeijer, K., Marsman, G., and de Hollander, A.(2003). "urban environmental quality and human well – being toward a conceptual framework and demarcation of concepts: aliterature study", *Landscape and Urban Planning*.
- 28) Van poll, R. (1997). "The perceived quality of urban residential", PhD- thesis, center for energy and environmental studies (IVEM) university of Groningen (RUG), Netherland.

The necessity of paying attention to the quality of urban life in urban planning and urban geography

Abstract

Today, it seems very necessary to change the physical-functional perspective in planning, especially urban planning, to a more inclusive perspective that includes social concepts and public welfare, as well as strengthening environmental foundations and improving the quality of life. Therefore, this research was conducted with the aim of investigating the necessity of paying attention to the quality of urban life in urban planning and urban geography. The library research method was done using books, articles, theses, etc. First, the quality of life, then the basic approaches to the concept of quality of life and the dimensions and components of quality of life and indicators of quality of life were examined. And after that, the necessity of paying attention to the quality of urban life in urban planning and urban geography was analyzed. And at the end, the place of the quality of life in the analytical perspectives of urban geography was investigated.

Keywords: quality, quality of life, urban planning, urban geography.
